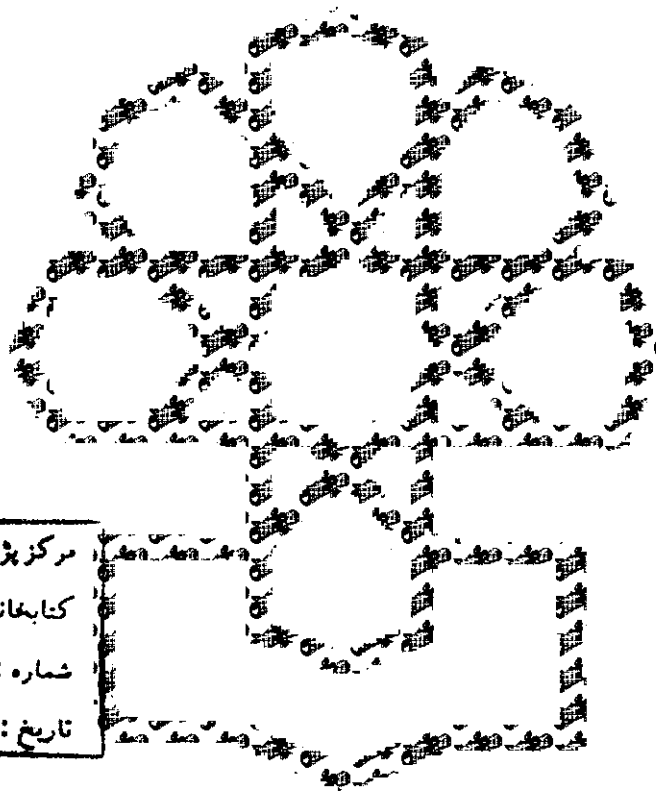




گزارش فشرده‌ای از دیدگاه‌های «ژنرال میرزاییگ» پیرامون نظم‌نویین جهانی و همکاریهای منطقه‌ای



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه واحد اسناد و اطلاع‌رسانی مجلس شورای اسلامی
شماره: ۷۲۲۳
تاریخ: ۱۵/۱۰/۷۲

معاونت پژوهشی

مهر ماه ۱۳۷۴

کار: گروه خدمات پژوهشی

این گزارش به تقاضای جناب آقای مهندس یحیی‌ی نماینده محترم
مردم تهران در مجلس شورای اسلامی تهیه شده است.

کد گزارش: ۴۱۰۰۸۹۵

پیش‌نوشتار

در خلال پانزده سال گذشته در جغرافیای سیاسی آسیای مرکزی و میانه تحولات مهمی رخ داده است. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی، جنگ ایران و عراق در طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ میلادی، حمله اتحاد جماهیر شوروی (سابق) به افغانستان و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (سابق) از اهم این رویدادها است.

فدراسیون روسیه که جانشین اتحاد جماهیر شوروی (سابق) شد، با مشکلات عدیده سیاسی و اقتصادی مواجه گردیده است که عدم ثبات اقتصادی و دشواریهای تبدیل اقتصاد کنترل شده به اقتصاد بازار و اختلافات و مشاجرات بر سر تقسیم جنگ‌افزارها و نیروهای مسلح تعدادی از آنها را تشکیل می‌دهد. کشورهای مستقل مشترک‌المنافع نیز که پس از فروپاشی شوروی (سابق) پدید آمدند، مشکلات زیادی را فراراه خویش دارند که داراییهای این کشورها در شرایط جدید، روابط قدیمی آنها با کشورهای منطقه از قبیل چین، پاکستان، افغانستان، ایران و ترکیه و ظهور منازعات نوین منطقه‌ای، قومی، زبانی و فرقه‌ای ناشی از تحریک کشورهای بیگانه از اهم این مشکلات است.

ترکیه در این منطقه نه تنها با کشورهای غربی و امریکا روابط حسنه‌ای دارد، بلکه روابط این کشور با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و ایران و پاکستان در سطح قابل ملاحظه‌ای است. چین نیز به عنوان یکی از کشورهای بزرگ و پرجمعیت منطقه پس از سقوط شوروی لزوم تعدیل و تنظیم در ساختار اجتماعی و اقتصادی خود را درک نموده و کادر رهبری این کشور خود را با خواسته‌های جدید مردم هماهنگ می‌سازد.

منافع امریکا در منطقه نفت‌خیز: امریکا نسبت به منطقه‌ای که در چارچوب سازمان منطقه‌ای آسیایی قرار دارد، علاقه‌مند است و مهمترین دلیل آن امکانات و موقعیت جغرافیایی این منطقه و اتصال آن به منطقه نفت‌خیز خاورمیانه می‌باشد. روش امریکا در قضیه تهاجم عراق به کویت و عکس‌العمل سریع در قبال آن، اهمیت حیاتی این منطقه نفت‌خیز را بیش از پیش روشن ساخت. در حالی که رئیس‌جمهور امریکا هدف این عملیات نظامی را «حفظ و حراست ارزشهای امریکا» می‌نامید، «ژنرال نورمن شوراتسکف» هدف از جنگ در خلیج (فارس) را تأمین امنیت اسرائیل اعلام می‌نمود. در خلال این جنگ و پس از آن کویت و عربستان سعودی ۶۰ میلیارد دلار خرج نمودند، متحدین ۲۵ میلیارد دلار جهت حمایت از اقدام امریکا دریافت کردند، اسرائیل ۱۳ میلیارد دلار به دست آورد و به دنبال آن امریکا سیاست نظم نوین جهانی را اعلام نمود.

نظم نوین جهانی: در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (سابق)، جهان تقریباً تک‌قطبی گردید. البته این فرضیه واقع‌بینانه نیست، چراکه تعدادی از قدرتها با امریکا در زمینه اقتصادی مسابقه دارند. ژاپن، آلمان و چین قدرتهای مطرح تلقی می‌شوند و کشورهای آسیای میانه به سرعت در حال پیشرفتند. بنابراین ساده لوحی است که جهان پس از جنگ سرد را تک‌قطبی محسوب نماییم. لذا جامعه جهانی باید به صورت دسته‌جمعی مسؤولیت بازسازی مجدد نظم جهانی را بر عهده گیرد.

محور امریکا، هند و اسرائیل و محور امریکا و روسیه: شش جغرافیدان برجسته امریکایی در بررسی اخیر خود فروپاشی کشورهای این منطقه و ایجاد سه کشور جدید و ظهور چندین منطقه نوین خودمختار در چین را پیش‌بینی نموده‌اند. غرض از تبلیغ این عقاید ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و جلوگیری از پیشرفت اقتصادی در کشورهای منطقه آسیای مرکزی و میانه است.

امریکا و چین: امریکا تلاش می‌کند چین را از نظر سیاسی محاصره نماید. از سال ۱۹۶۹ به بعد و به دنبال عدم موفقیت رویارویی مستقیم، دامن زدن به اختلافات میان شوروی و چین را در دستور کار خود قرار داد و اکنون این کار را از طریق هند انجام می‌دهد. اتهام تخلف از مقررات کنترل تکنولوژی موشک در رابطه با پاکستان و فروش مواد شیمیایی به ایران جهت تولید سلاحهای شیمیایی در همین راستا صورت می‌گیرد.

امریکا و اسلام: امریکا اسلام را به عنوان خطر تلقی می‌نماید. دوستی امریکا با برخی از کشورهای اسلامی از روی مصلحت و مبتنی بر رخنه در میان این کشورها و کنترل «بنیادگرایی اسلامی» است. کشتار وسیع مسلمانان در بوسنی و حمایت از اسرائیل در خاورمیانه در راستای محاصره سیاسی جهان اسلام صورت می‌گیرد. ایران به عنوان یکی از دو ابرقدرت جنوب با برخورداری از ذخایر فراوان نفت و سرزمین پهناور در صورت اتحاد با پاکستان (که دارای سلاح اتمی است)، تهدیدی جدی برای امریکا تلقی می‌شود.

امریکا و آسیای میانه: علی‌رغم استقلال کشورهای آسیای میانه، این منطقه هنوز دستخوش بی‌ثباتی سیاسی، اختلافات داخلی، منازعات و فشارهای خارجی است و امریکا نیز در راستای ایجاد جهان تک قطبی به این بی‌ثباتی و اختلافات بیشتر دامن می‌زند.

همکاری منطقه‌ای: موقعیت جغرافیایی و نقشه قدرتهای غربی مبنی بر محاصره اقتصادی کشورهای این منطقه ایجاب می‌کند که کشورهای آسیای مرکزی و میانه منافع خویش را از طریق همکاری فیما بین تأمین نمایند.

اندیشه: همکاری میان کشورهای هم عقیده و هم مرز و دارای پیوندهای باستانی برای رشد و ترقی سالم آنها اهمیت حیاتی دارد و در این راستا سازمانهایی مانند ناتو، اکو، سازمان کشورهای اسلامی، سارک، شورای همکاری خلیج (فارس) و آسه آن (به عنوان سازمانی که بر اساس اندیشه همکاری منطقه‌ای برای پیشرفت اقتصادی و تأمین امنیت تشکیل شده است)، پیش‌روی ما قرار دارند.

تشخیص منطقه برای همکاری: دایره‌ای با قطر ۱۵۰۰ مایل پیرامون سلسله جبال پامیر متشکل از ده کشور افغانستان، آذربایجان، چین، ایران، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکیه، ترکمنستان و ازبکستان که از دیدگاه تاریخی محور تمدنها و امپراتوریهای بزرگ و پیوندهای باستانی بوده‌اند، منطقه خوبی برای همکاری منطقه‌ای است. البته کشورهای عرب حوزه خلیج (فارس) به جهت داشتن مناقشات سنتی دیرینه و هند به جهت مواجهه با مسأله کشمیر علی‌رغم قرار داشتن در این دایره، در سازمان پیشنهادی همکاری قرار نمی‌گیرند.

جغرافیای نظامی این منطقه: چین، پاکستان، افغانستان و تاجیکستان موقعیت محوری دارند و پاکستان و ایران نیز به جهت راهیابی به دریا، مزیت خاصی را برای سایرین و به ویژه کشورهای محاط در خشکی ایجاد می‌نمایند.

توانمندی منطقه سازمان همکاری آسیا: وجود کوههای مرتفع، صحراهای گسترده، جلگه‌های مرتفع، رودخانه‌های طولانی، وجود ۱/۳ میلیارد نفر جمعیت، برخورداری از کارشناسان ورزیده در علوم و تکنولوژی، وجود ذخایر وسیع نفت، گاز، اورانیوم، طلا، نقره، کروم، منابع معدنی، صنایع نساجی، نخی‌ریسی، ابریشم‌بافی، کودشیمیایی، قالی‌بافی، لوازم الکترونیکی، صنایع سنگین، فولادسازی، صنایع کشاورزی و قرار داشتن در مسیر رشد و توسعه، همه و همه حاکی از آن است که این منطقه تمام ملاکهای لازم برای مطرح شدن به عنوان یکی از مراکز مهم قدرت جهانی را در خود دارد.

معاملات بازرگانی: شمار رو به گسترش بلوکهای تجارتي در سراسر جهان مشاهده می‌شود. در حال حاضر، روابط بازرگانی در این منطقه دو جانبه یا حداکثر سه جانبه می‌باشد، اما نیاز به تأسیس روابط گسترده‌تر و نزدیکتر در این منطقه وجود دارد تا از امکانات موجود بازرگانی در منطقه به نحو احسن بهره‌برداری گردد.

ابعاد امنیتی همکاری منطقه‌ای: با گسترش مناسبات اقتصادی، کشورهای منطقه ترتیباتی را برای تأمین امنیت دسته‌جمعی اتخاذ خواهند نمود که در فعالیتهای سازمان ملل و سایر کشورها تأثیر خواهد گذارد و به اتخاذ مواضع مشترک از سوی کشورهای عضو منجر خواهد شد.

توافق نظر استراتژیکی: پیوندهایی که در طول سالیان دراز همکاری اقتصادی میان کشورها مستحکم می‌شود، به توافق نظر استراتژیکی منجر می‌گردد. این توافق نظر، ملتها را قادر خواهد ساخت تا در برابر فشارهای غیر عادلانه خارجی به صورت دسته‌جمعی مقاومت نمایند.

نقش چین در سازمان همکاری منطقه‌ای آسیایی: در حوزه سازمان همکاری منطقه‌ای آسیایی، چین از اهمیت زیادی برخوردار است. پس از فروپاشی شوروی خلأیی در این سازمان ایجاد شده است که باید به صورت مناسب پر شود. سبب گرایش امریکا به هند، تبدیل این کشور به ژاندارم منطقه و محدود کردن قدرت چین می‌باشد و سیاست امریکا در قبال مسأله کشمیر در همین راستا برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود. پاکستان کشوری اسلامی است و تجربه نشان داده است که احزاب سیاسی اسلامی در این کشور هر گاه سرکوب شده‌اند، مجدداً با حمایت مردم و با سازماندهی دوباره خود را در عرصه سیاسی مطرح کرده‌اند. چین بزرگترین کشور در منطقه سازمان همکاری منطقه‌ای آسیایی محسوب می‌شود و با تلاش در زمینه اقتصادی و رعایت اصول ثابت و عادلانه در سیاست خارجی خویش، نقش باارزی را در این سازمان ایفا خواهد کرد.

طرح اجرای برنامه: خاصیت متمایز سازمان آسیایی در مقایسه با پیمانهای همکاری دیگر، ماهیت غیر دولتی آن می‌باشد و تجربه نیز نشان داده است که توسط بخش خصوصی، مردم با نزدیکی بیشتر به یکدیگر، روابط دوستانه مستحکمتری برقرار می‌نمایند.

نیاز به استراتژی منسجم عمرانی: بخش خصوصی باید با حمایت دولتها، طرحهای همکاری اقتصادی را در چارچوب سازمان همکاری منطقه‌ای آسیایی سریعاً به مرحله اجرا درآورد. این طرحها باید مربوط به امور بانکداری، صنایع سنگین، اتاقهای مشترک بازرگانی و تسهیل تعرفه‌های گمرکی و قوانین صادرات و واردات باشد.

مأخذ: «از «پامیر» تا «فرات»؛ بازیگرهای امروز نظم نوین جهانی و فدای همکاریهای منطقه‌ای»، جام، سال دوم،

شماره ۲۴، اسفند ۱۳۷۲، صص ۸ تا ۱۵